

آینده سیستم پولی بانکداری افغانستان

بخش دوم

ب - سیستم بانکداری معاملاتی (تجارتی)

۱ - خلاها، ابهامات و خلاف رفتاری از قانون بانکداری افغانستان:

در قانون دافغانستان بانک و در قانون بانکداری افغانستان موادی در قسمت معاملات بانکی اسلامی وجود ندارد و هم از طرف دافغانستان بانک کدام لایحه ای در باره تخنیک های معاملات بانک اسلامی ترتیب نگردیده است، با آنهم اکثر بانک ها تبلیغات وسیعی را در قسمت انجام معاملات بانکی مطابق به شریعت اسلامی به راه انداخته اند و برای جمع آوری سپرده های پس انداز کنندگان حتی وعده ۱۲٪ (افغان یونایتد بانک) مفاد مضاربه و مشارکه را داده اند. چون هر نوع معاملات بانکی که در قانون توضیح نشده و میکانیزم معاملاتی آن قبلاً از طرف بانک مرکزی (دافغانستان بانک) مورد تأیید قرار نگرفته باشد و هم بدون چوکات قانونی و مقررات حقوقی باشد، غیر مجاز است؛ بناءً باید تا تدوین قانون بانکداری اسلامی غرض حمایه از اغوای پس انداز کنندگان، هرگونه تبلیغات در این قسمت ممنوع قرار داده شود و از عقد قرار داد های معاملات بانک اسلامی جلوگیری به عمل آید.

۲ - عدم وضاحت در اصطلاحات و جملات قانون بانکداری:

به عقیده نویسنده بعضی مواد قانون بانکداری افغانستان واضح و قابل فهم ترجمه نشده و تا جائیکه از خلال صحبت ها با کارکنان بانکی بر می آید، در تطبیق بعضی مقررات سوء تفاهمات بوجود می آید و مقصد و مطلب آن فهمیده شده نمیتواند. اکثر مدیران نمایندگی های ولایات و یا شاید در مرکز هم فرق بین بانک مرکزی و تجارتی را نمیدانند، چه رسد به قاموس بانکداری و اصول مدیریت. فقط به اساس قرابت های فامیلی سهامداران و هیأت مدیره، عامل و نظار مربوطه مقرر شده اند. سوال این جاست که چطور از امتحان دافغانستان بانک مؤفقانه بدر آمده اند؟ البته امتحان منیجران را نیز دپارتمنت نظارت اخذ می نماید. این مدیران به خصوص در کابل بانک حتی پول نقد خزاین را به مصارف شخصی و سرمایه گذاریهای خود مصرف کرده اند. پس لازم است تا غرض تطبیق و تعمیم مقررات قانونی، قانون بانکداری افغانستان تجدید نظر شود و در صورت لزوم، لوایح و تعلیمات نامه های توضیحی تدوین و از طریق دایر کردن سمینارهای آموزشی برای مدیران، هیأت مدیره، هیأت نظار و کارکنان بانکها، زمینه تفهیم و تطبیق بهتر مقررات قانونی فراهم گردد و در انتخاب و انتصاب مأمورین به عوض روابط از ضوابط کارگرفته شود.

۲-۱ مقررات مربوط به جواز نامه بانکی:

به اساس جزء (۱) ماده ششم قانون بانکداری افغانستان و ماده هشتاد و سوم قانون دافغانستان بانک، یگانه مرجع صدور جواز بانکداری، دافغانستان بانک میباشد. شرایط صدور جوازنامه در مواد دوم، ششم، هشتم، دوازدهم، چهاردهم، هفدهم، بیستم، بیست و سوم، بیست و هفتم، سی و دوم، سی و ششم، سی و هشتم، چهلم، چهل و دوم و چهل و سوم قانون بانکداری به تفصیل آمده است که بدون تکمیل آن، دافغانستان بانک صلاحیت صدور جوازنامه را به بانکدار درخواست کننده ندارد. غرض طوالت موضوع از تبصره سایر مقررات مربوطه صرف نظر میشود، اما نکته ۵ جزء (۱) ماده دوازدهم قانون بانکداری را که برای ادامه فعالیت و مدیریت بانکداری دارای اهمیت میباشد، از نزدیک مطالعه میکنیم. طبق این نکته قانون بانکداری یکی از شرایط صدور جوازنامه بانکی "شایسته و مناسب بودن شخص حقیقی که دارای سهم استحقاق ذیصلاحیت(؟) در بانک میباشد و در صورتیکه شخص حکمی باشد، شایسته و مناسب بودن مدیران آن میباشد". شایسته بودن و مناسب بودن کلماتی اند، که مخصوصاً از نگاه مدیریت در انجام معاملات بانکی دارای اهمیت است. به اساس تجربه شخصی ام در امور بانکداری، کسانی که به مدیریت (از نگاه سازمانی برای طبقه فوقانی، مدیریت ادارات وسطی و مدیریت پایانی Top, Lower, Middle, Management) مخصوصاً مدیر عمومی (رئیس عامل بانک) انتصاب میشوند، که مرتکب جرمی نشده باشند و دارای درجه تحصیلات عالی در رشته بانکداری (مثلاً اقل درجه مافوق لیسانسه اکادمی بانکی^۱) بوده و تجربه کافی در امور نظری و عملی بانکداری (مخصوصاً سپری کردن مدیریت های ادارات وسطی و پایانی بانکها و گذشتاندن موفقانه امتحانات سمینار های مسلکی اکادمی بانکداری) را داشته باشند. مزید برآن برای تعیین مدیران عمومی و رؤسای بانکها اجازه اتحادیه های بانکی و با بزرگ بودن بانکها اجازه مقامات نظارت بانکی ضروری میباشد. متأسفانه چنین خواسته های مسلکی و آفاقی که باید از طرف مقام نظارتی دافغانستان بانک مورد بررسی قرار گیرد، در قانون بانکداری بصورت واضح نیامده است. هرگاه

دپانو شمیره: له ۱ تر 4

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلپیکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولی

د افغانستان بانک بحیث مرجع ذیصلاح نظارت بانکداری فاقد لایحه و یا تعلیماتنامه ای در این مورد باشد، باید در آینده حتماً در این باره اقدامات لازمه به عمل آید.

۲-۲ مقررات حفظ سیالیت و خطر معاملات بانکی:

طوریچه بحران مالی در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نشان داد، بیشتر بانکهای همان ممالکی به ورشکستگی و انحلال مواجه شدند که نظارت بانکی در آن ممالک نسبتاً ضعیف تر بود و یا مطالبات و خواسته های قانونی، لوایح و تعلیماتنامه های نظارتی از طرف مقامات اداری بانکها رعایت نشده بود.ⁱⁱ به صورت خلاصه میتوان گفت، که نظارت بانکی شامل دو قسمت میباشد: نگهداری سیالیت و مجادله با خطرات معاملات بانکی. قوانین بانکی و نظارتی بصورت مفصل لوایح و تعلیمات نامه های را در باره خواسته ها، میکانیزم نظارتی (در بانکهای مرکزی و یا در مقامات نظارتی و در بانکهای معاملاتی) و بررسی نظارت (از طرف مقامات نظارتی، از طرف بانکهای مرکزی و از طرف بانکها و مؤسسات مالی) تدوین می نمایند، تا طبق آن هیأت نظارتی، بررسی های داخلی (Internal Auditors) و بررسیها و حساب رس خارجی (External Auditors) عملکرد های نظارتی را انجام می دهند. منظور از حساب رس ها و بررسی های مستقل خارجی، اشخاص ذیصلاح حقوقی و حکمی خارج از تصدی و یا مؤسسه میباشد، که دارای تعلیمات مسلکی و تجارب حساب رسی و بررسی بوده و قانوناً برای انجام این مسلک به رسمیت شناخته شده باشند. بررسی های داخلی از طرف هیأت عامل و یا هیأت نظار مؤسسه یا تصدی بانکی تعیین میشود و مستقیماً تحت هدایات مقامات متذکره قرار میگیرند. ایشان در پروسه و در تشکیلات جریانی تصدی شامل نبوده، فاقد صلاحیت های اداری و اعطای هدایات و اوامر میباشد (از نگاه سازماندهی بنام مشاور یا Stab یاد میشوند). این اشخاص نظر به بزرگی بانک، مسؤل بررسی جمیع معاملات بانکی، جریان معاملات بانکی، امور حسابی، مقررات و قوانین بانکی و قرضوی و قوانینی که با معاملات بانکی ارتباط داشته باشند، لوایح و تعلیمات نامه امور نظارتی، حسابرسی و بررسی، مالیات بر عایدات و شستن پول میباشد. در بانکهای بزرگ فعالیت های بانکی به رشته های جداگانه دسته بندی شده و برای هر رشته یک بررسی خاص مؤظف میشود. بررسی های خارجی اتباع داخلی و خارجی اند. در افغانستان بررسی های خارجی مخصوصاً اتباع غیر افغانی اند، چون بررسی های قانونی در افغانستان تربیه نمیشوند، بنهائاً تصدیهای بزرگ اقتصادی در افغانستان از طرف بررسی های پاکستانی، هندی و یا بین المللی مورد بررسی و حساب رسی قرار میگیرند. بررسی های خارجی میتوانند کارکنان اتحادیه های بانکی باشند، که سالانه وضع اقتصادی، حقوقی و حسابی، مدیریت سیالیت و مدیریت خطر معاملات و نتایج بررسی داخلی را به اساس صلاحیت قانونی مورد بررسی قرار داده، نتایج بررسی خویش را به شکل گزارشی با تفصیلات همه جانبه به مقامات اتحادیه های بانکی، مؤسسه نظارت بانکی، هیأت عامل، هیأت مدیره و هیأت نظار مؤسسه مربوطه ارائه میکنند. هیأت عامل بانک مکلف است، تا در مدت معینی که از طرف بررسی ها و یا اتحادیه های بانکی تعیین میشود، برای رفع نواقص شکلی و یا مسلکی که سنگین نباشد، اقدامات لازمه را اتخاذ نماید. اتحادیه بانکی و مقامات نظارت هم میتوانند، تا به اساس نتایج گزارش متذکره بررسی های اختصاصی را انجام دهند و مسؤلین را نظر به اندازه و کیفیت خلاف رفتاری در حین بررسی و یا بعداً معزول دارند و یا غرض باز خواست قانونی به ژانروالی مربوطه معرفی کنند. در بعضی مؤسسات بانکی به اساس خواهش هیأت مدیره و یا مالکین سرمایه، مؤسسات بین المللی برای بررسی مؤظف میگردند و ساحة بررسی هم تعیین میشود، مثلاً به اساس درخواستی سهامداران کابل بانک، مؤسسه A.F. Ferguson & Co G که عضو مؤسسه بین المللی (Price Walter House Coopers) است، بیلانس سال ۲۰۰۹، توانائی تأدیاتی سال ۲۰۰۳ را بررسی و یک گزارش مفصل در باره فعالیت ها بانکی و بیلانس و حساب مفاد و ضرر این بانک ترتیب کرد.ⁱⁱⁱ

فرق بین بررسی از طرف مؤسسات بررسی قانونی (اتحادیوی) و مؤسسات مستقل این است، که در مؤسسات اولی چوکات، ساحة و حجم بررسی قبلاً از طرف همین مؤسسات تعیین شده و بررسی ها مکلف اند طبق آن بررسی خویش را انجام و گزارش دهند، در حالیکه مؤسسات بررسی مستقل مطابق به تقاضای سهامداران، تقاضای هیأت مدیره و یا هیأت عامل عمل می نمایند، پس حجم و ساحة هم از طرف همین ارگان های تقاضا کننده تعیین میگردد.

در پهلوی بررسی داخلی برای مراقبت و کنترل معاملات، شعبه جداگانه دیگری وجود دارد، که وظیفه آن مدیریت خطر (Risk Management)، پلان گذاری و تثبیت روزمره انواع خطرات منظره و روزمره میباشد و باید روزانه درباره وضع خطر بلافاصله به هیأت عامل مؤسسه بانکی گزارش بدهد. مزید به آن بانک مکلف است تا از نتایج روزمره تثبیت خطر توسط شعبه مدیریت خطر، به اتحادیه بانکی، یا به بانک مرکزی و مؤسسه مربوطه نظارتی اطلاع دهد. گیرنده معلومات نظر به قواعد بانک مرکزی (لوایح و تعلیمات نامه ها) و مؤسسه نظارتی تعیین میشود. مزید به بانک مرکزی، اتحادیه های بانکی و یا مقام نظارتی بانکی قانوناً صلاحیت دارند وقتاً فوقتاً مدیریت خطر، معیارات سنجش خطر و میکانیزم سنجش خطر را دربانک مربوطه طبق صوابدید خویش هم مورد بررسی قرار دهند.

قانون بانکداری افغانستان در ماده سی و دوم اصول عمومی بانکداری، در ماده سی سوم فعالیت های بانکداری و در ماده سی و چهارم فعالیت های ممنوعه را تثبیت کرده است. در ماده سی و پنجم ایجابات احتیاطی را که باید از طرف مؤسسات بانکی تعقیب شوند، شمارش کرده است، در ماده سی و ششم در مورد روابط بانک و مشتریان، در ماده سی و هفتم در مورد پرداخت قرضه قبل از بسر رسیدن موعد و در ماده سی و هشتم در مورد قروض تضمین شده، دارای دستوراتی میباشد که هم در قسمت

تثبیت و حفظ سیالیت بانکی و هم برای جلوگیری خطرات بانکی تدوین شده است، اما مقررات حفظ سیالیت نسبت به مقررات خطر قرضه کمتر است. مزید بر آن معیاراتی که برای تثبیت خطر قرضه و سیالیت ضروری میباشند، بصورت خیلی مختصر و قسماً خیلی مبهم گنجانیده شده که فهم آن برای مدیران و کارمندان بانک ها خیلی مشکل و غامض میباشند، و اما سهم آن در مؤثریت و صحت گزارش دهی البته دارای اهمیت است.

۲-۳ خطرات اعطای قرضه به مشتریان: چون خطرسوخت قرضه در افغانستان، طوریکه تجربه نشان داده است (از نگاه های امنیتی، فساد اداری و حقوقی)، در جمع خطرات بانکی بیشتر میباشند و مقررات موجوده در باره معیارات، سنجش و نظارت خطرات قرضه ناکافی و هم قسماً مبهم است، تغییر، تکمیل و افزودن مقررات اضافی در قانون بانکداری افغانستان لازمی است. بر علاوه نظارت بانکی به اساس مقررات موجوده هم بعمل نیامده است، چنانچه طور مثال اگر اجزاء و فقرات ماده چهارم (در باره اعتبار بانکی به اشخاص وابسته) دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد، میتوان نواقص فوق الذکر را به وضاحت مشاهده کرد:

فقره ۱ جزء (۱) ماده ۴۰ در باره عدم دادن اعتبار (قرضه) به شخص یا اشخاص وابسته چنین دستور میدهد: "در صورتیکه شرایط و ضوابط مالی اعتبار توسط هیأت عامل یا هیأت نظار بانک تصویب نگردیده باشد". این فقره نظر به دلایل آتی ناقص میباشند و باید فوراً اصلاح شود و یا در یک لایحه نظارتی توضیح گردد.

۱- این ماده مخصوصاً در بانکهای که از نگاه حقوقی دارای شکل محدودالمسئولیت، تضامنی و تضامنی مختلط اند، دست آزاد به شرکای مسؤول میدهد، که در عین حال اعضای هیأت نظار و هیأت عامل میباشند. اینها میتوانند طور دلخواه شرایط و ضوابط را طوری تعیین کنند، که ضرورت نظارت بانکی را که در فقرات بعدی جز (۱) آمده است، از اول خنثی سازند. امید است که کابل بانک (که شکل حقوقی آن تثبیت شده نتوانست و قیاس شده میتواند که دارای یکی از اشکال فوق الذکر باشد)، از این فقره استفاده نکرده باشد و با تصاویب بانکی، مطابق ضرب المثل «خود کوزه، خود گرز و خود گل کوزه» حکم هر نوع سوء استفاده از دارائی های بانک را به وابستگان بانک (اعضای هیأت عامل و هیأت نظار) صادر نکرده باشد.

۲- این مقررده به ضد منافع داینین و پس انداز کنندگان می باشد.

در صورتیکه شرایط و ضوابط فقره ۱ در کابل بانک مورد اجرا قرار نگرفته باشد، پس به اساس فقره ۲ اعطای قرضه و اعتبارات به اعضای وابسته (اعضای هیأت عامل و سهامداران بزرگ) ممنوع میباشند، بناءً خلاف این فقره و جز (۲) هم کابل بانک و هم دافغانستان بانک بحیث مرجع نظارت کننده عمل کرده اند. اگر مراجع نظارت کننده بصورت مسلسل و مطابق به زمان عمل مینمودند، از اعطای قرضه های بلندی که به وابستگان کابل بانک به عمل آمده از ابتدا جلوگیری شده میتوانست. برای معلومات بیشتر فقره ۲ جزء (۱) و جزء (۲) ماده ۴۰ قانون بانکداری افغانستان در اینجا اقتباس میشود: فقره ۲ جزء (۱) "در صورتیکه اعتبار به یک مدیر یا مأمور بانک اعطا شده باشد و مبلغ مجموع اعتبار پرداخته شده حصول ناشده از معادل ۱۰۰ فیصد سرمایه و ذخایر دست نخورده (نویسنده) بانک تجاوز کند، باید اصطلاحات سرمایه دست نخورده ذخایر دست نخورده در ماده اول این قانون توضیح گردد. در جزء (۲) ماده ۴۰ آمده است: "بانک مکلف است تا از اعطای اعتبار به اشخاص وابسته فوراً به هیأت بررسی اطلاع دهد، در صورتیکه اعتبار به یک شخص وابسته بدون رعایت حکم مندرج فقره (۱) این ماده اعطاء شده باشد، چنین اعتباری فوراً باز پرداخت میشود. اعضای هیأت عامل و هیأت نظار بطور انفرادی و دسته جمعی بابت پرداخت اصل پول، بهره و سایر مصارف که مغایر حکم فقره (۱) این ماده با آگاهی و بدون اعتراض آنها اعطاء شده باشد، شخصاً مسؤول می باشند".

مزید به مثال های فوق بصورت عموم معیارات تثبیت خطر قرضه کافی نیست. مثلاً مبلغ قرضه بزرگی که به یک مشتری داده میشود و اجازه آن از مقامات نظارتی باید اخذ شود، در این ماده و یا سایر مواد تعریف نشده است، (مثلاً اعطای قرضه ۹۰ ملیونی به آقایان حسین فهیم، محمود کرزی، شیرخان فرنود و سایر ذواتیکه از طرف رئیس د افغانستان بانک معرفی شده اند). نکته بسیار مهمی که باید در این مواد آورده میشد، عبارت از ارائه معلومات لازمه در باره وضع اقتصادی مشتری یا قرضه گیرنده میباشند، (طوریکه برای تصدیق ها ارائه بیلانس و سایر اسنادی لازمی میباشند که از خلال آنها درباره وضع اقتصادی تصدی - مازاد جریان نقده یا Cash Flow، چگونگی مفاد و ضرر، سیالیت، انجام تعهدات و مکلفیت های تأدیاتی، معلومات حصول شده میتواند)، صرف نظر از اینکه قرضه کاملاً تضمین شده باشد یا نه؛ زیرا برای بازپرداخت قرضه و تکثانه مهم این است، که مشتری تا کدام اندازه از توان اقتصادی خود، قادر به باز پرداخت قرضه، تکثانه و سایر مصارف می باشد. تضمینات در قدم دوم دارای اهمیت است. هم چنین کسب سهام کابل بانک که بوسیله اخذ قرضه از این بانک بعمل آمده است، مثلاً توسط آقایان محمود کرزی و حسن فهیم و سایر اشخاص در کابل بانک صورت گرفته است، خلاف مقررات قانون بانکداری افغانستان است.

۲-۴ سایر خطرات معاملات بانکی:

در اینجا تمام خطرات اقلام دارائی، داخل بیلانس و تحت بیلانس،^{iv} به جز از خطرات معاملات قرضه مورد مطالعه قرار می گیرند، که شامل دارائی دراز مدت و کوتاه مدت مالی، تعمیرات و زمین ها، جوازنامه های سرقتی، و سایر اقلام دارائی میباشند.

مهمترین اقلامی که خطرات آنها، بعد از خطرات قرضه بیشتر و اکثراً دارای خصوصیت احتکاری میباشند، عبارت اند از خطر قیمت بازار (Market Price Risk) دارائی های دراز مدت مالی مانند اشتراکات در سایر تصدی ها، کسب اسناد قرضه دراز مدت و اسهامی که به مدت دراز در بانک نگهداری می شوند. در زمره دارائی مالی قرضه های کوتاه مدت (بازار پولی) و سایر اسناد بهاداری قرار میگیرند که برای مدت کوتاه غرض حفظ سیالیت بانک کسب میشوند. همچنان کسب اسناد بهادار دراز مدت و معاملات دارائی اشتقاقی (Derivate) برای سرمایه گذاری، غرض استفاده از تکنانه و یا برای احتکار غرض استفاده تغییر نرخ تکنانه در بازار پولی و سرمایه شامل دارائی های مالی می باشد.

در باره خطرات اقلام دارائی های فوق الذکر، به بعضی فقرات مواد قانون بانکداری افغانستان بصورت خلاصه و مبهم تماس گرفته است، که برای نظارت بانکی کفایت نمیکند و از طرف نویسنده بحیث خلای قانونی تعریف شده، که در باره آن در قسمت پیشنهادات توضیحات به عمل می آید.

ادامه دارد

ⁱ مراجعه شود به خواسته ها و اهلیت های قانونی مدیران عمومی و روئسای بانکهای کوپراتیوی: محمد نعیم اسد، شرکت های تعاونی، ص ۱۵۰ به بعد، تهران ۱۳۸۷.

ⁱⁱ مراجعه شود به: محمد نعیم اسد، بحران مالی بین المللی عاملین، علل و عواقب آن در: اندیشه (فصلنامه علمی - پژوهشی پوهنتون هرات) شماره ۳ و ۳، خزان و زمستان ۱۳۸۷، ص ۴۵ به بعد.

ⁱⁱⁱ این گزارش که به لسان انگلیسی ترتیب شده است و یک گزارش پر معلومات و وسیع بوده و صرف یک گزارش مقطعی مربوط به تاریخ ۲۰۰۹.۱۲.۳۱ میباشند، که در آن سنجش جریان سرمایه در جریان سال حسابی ۲۰۰۹، بیلانس و حساب مفاد و ضرر به تفصیل نیامده است و به اساس مطالبات نظارت بانکی ترتیب نه شده بود. اما برای ادامه نظارت دافغانستان بانک اساس خوبی را برای تشکیل میداد، که باید به اساس آن د افغانستان بانک فوراً (در ماه های جوزا یا سرطان سال ۱۳۸۹) به نظارت کابل بانک آغاز می کرد.

^{iv} دارائی های اقلام تحت بیلانس و خارج بیلانس اقلامی اند که در جمله دارائی ها مستقیماً به دارائی، سرمایه و بدیهی های بانک محسوب نمی شوند، اما اقلام بالقوه و یا ممکنه را در آینده تشکیل می دهند، که تحقق یابی این اقلام برای تصدی زیان و مفاد بار می آورد. مثلاً تضمیناتی که از طرف بانک برای مشتری داده می شود و یا برات هائی را که به فروش می رساند و یا به بانک مرکزی غرض تنزیل مجدد عرضه می کند، تعهداتی که با انجام معاملات دارائی اشتقاقی اسناد بهادار به بوجود می آیند و غیره.

د پانو شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنيت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دليكنيزې بڼې پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكې په څير و لولئ